



## علل و شیوه های دشمن تراشی آمریکا با توجه به انقلاب اسلامی



# انقلاب

مجموعه مقالات

علل و شیوه های دشمن تراشی آمریکا با توجه به انقلاب اسلامی

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: [www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

## مقدمه:

در مقطع زمانی بعد از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی (۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹ م)، شاهد قطب بندی جهان به دو بلوک شرق و غرب بودیم. کمونیسم به عنوان یکی از دو گفتمان قدرت در عرصه بین-المللی دامنه‌ی هژمونی خود را تقریباً در نیمی از جهان و عمدتاً در شرق گسترانیده و گفتمان لیبرالیسم به عنوان دیگر گفتمان قدرت هژمون در نیمه غربی جهان مسلط بود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان اسلام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی ایران جریان سوم قدرت را در نظام بین الملل ایجاد نمود و قدرت‌های شرق و غرب را به چالش کشید (۱). این چالش سبب شد از همان اوایل انقلاب کارشکنی‌های آمریکا با فعالیت در لانه‌ی جاسوسی، حمایت از کودتای نوژه، حمایت همه جانبه از حمله‌ی عراق به ایران و... آغاز شود. با این توضیح علل متعدد و مختلفی می‌توان برای دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی برشمرد، که این نگاره‌ی کوتاه عهده دار تبیین بخشی از آن است:

## ۱. ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی:

ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی که متخذ از اندیشه‌های امام خمینی (ره) است، دارای اهداف و آموزه-هایی بود که قدرت‌های بزرگ بین المللی را به وا همه وامی داشت چرا که اساساً این انقلاب در تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای نظام بین الملل که عمدتاً هم سوی با منافع و ایدئولوژی قدرت‌های بزرگ بود به وجود آمد. از مهم ترین اهدافی که از همان ابتدای نهضت اسلامی بیان گردید، و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافت مسئله‌ی نفی هرگونه سلطه‌ی بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی ارتش و دیگر شئون کشور بود. از سوی دیگر ماهیت ظلم ستیزی انقلاب

اسلامی، که مبتنی بر نفی سلطه گری و حفظ تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه ی مسلمانان و نیز عدم تعهد در برابر قدرت های مستکبر بود که باعث شد، ایالات متحده ی آمریکا از همان آغاز انقلاب اسلامی دشمنی خود را با این اهداف و مکتب نمایان سازد (۲).

شاهد مثال دیگری که اهداف مذکور را علت دشمنی آمریکا با انقلاب و جمهوری اسلامی ذکر می کند بیانات رهبر معظم انقلاب است: «جمهوری اسلامی برای خودش دشمن نمی تراشد. صفوف مستکبرین عالم و سرمایه داران زالوصفت و دشمنانی که در کمین نشستند، از این که می بینند ملت ایران دست آنها را کوتاه کرده است خشمگین و عصبانی اند. نمی شود به یک انسان بگویند: چرا شما از خانه ی خودت دفاع می کنی؛ از دکان خودت دفاع می کنی؛ از ناموس خودت دفاع می کنی تا این همه گردن کلفتها و قلچماقها و لاتها و قداره بندها با تو دشمن شوند؟! اگر دفاع نکنیم؛ اگر در خانه را باز بگذاریم؛ اگر مصالح ملی را قربانی مصالح ابرقدرتها کنیم؛ اگر مستشاران امریکایی را بر ارتش و نیروی مسلح کشور مسلط کنیم؛ اگر نفت را که سرمایه ی اساسی ملت ماست، رایگان و مفت در اختیار مصرف کنندگان آن و صاحبان صنایع بگذاریم، البته با ما دشمن نخواهند شد.» (۳)

ماهیت ظلم ستیزی انقلاب اسلامی، که مبتنی بر نفی سلطه گری و حفظ تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه ی مسلمانان و نیز عدم تعهد در برابر قدرت های مستکبر بود که باعث شد، ایالات متحده ی آمریکا از همان آغاز انقلاب اسلامی دشمنی خود را با این اهداف و مکتب نمایان سازد.

## ۲. صدور انقلاب اسلامی

از دیگر مسائلی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی بر آن تکیه شد موضوع صدور انقلاب اسلامی بود، این جنبه از انقلاب اسلامی از این جهت که می توانست به مثابه ی الگویی برای

دیگر کشورها و جنبش‌های اسلامی منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گیرد و سرمنشاء تحولات دامنه-دار در منطقه ی غرب آسیا قرار گیرد، به شدت آمریکا را نگران کرد. چرا که کشورهای حوزه ی خلیج فارس از هم پیمانان اصلی آمریکا بودند و تسری ایدئولوژی انقلاب اسلامی به این کشورها به

این مسئله (صدور انقلاب) به قدری با اهمیت جلوه کرده است که تحلیل گر اندیشکده بروکینگز نیز به آن پرداخته است و صادر شدن انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه را یکی از عوامل بی ثباتی در منطقه گزارش کرده است.

معنای منهدم شدن منافع آمریکا در خلیج فارس و کاهش نقش آفرینی او در منطقه بود. این مسئله به قدری با اهمیت جلوه کرده است که تحلیل گر اندیشکده بروکینگز نیز به آن پرداخته است و صادر شدن انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه را یکی از عوامل بی ثباتی در منطقه گزارش کرده است (۴). این مهم امری است که آمریکا از آن هراس داشت به طرزى که هم اکنون لبنان، سوریه، یمن و عراق و بخش‌هایی از سرزمین‌های شمال آفریقا در هم پیمانی ایران به سر می‌برند.

### ۳. فروپاشی شوروی

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ نظم و سیستم بین‌المللی از دو قطبی به تک قطبی شاهد تشدید منازعات و فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی هستیم. این تشدید فشارها عمدتاً معلول این است که آمریکا خود را به عنوان ابرقدرت بلا منازع جهان تلقی می‌کرد و از سوی دیگر با حذف کمونیسم هویت گفتمان لیبرالیسم دچار بحران گردید چرا که طبق منطق گفتمان، هویت گفتمان‌ها همواره در نفی هویت گفتمان‌های رقیب و در فضای خصومت و تنازع با آنها شکل می‌گیرد و بدون حضور رقیب امکان

استمرار وجودی گفتمان‌ها میسر نخواهد بود. لذا آمریکا به جهت هویت یابی خود، دشمن‌سازی را متوجه تروریسم و اسلام سیاسی می‌کند (۵). او جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از نمایندگان این اندیشه معرفی می‌نماید و آن را به عنوان یکی از تهدیدات اصلی برای منافع آمریکا تعریف می‌نماید.

## راهبردهای آمریکا:

### ۱. سطح تمدنی (جهان اسلام)

در راستای اهداف آمریکا در سطح تمدنی و گفتمانی، باید ذکر کرد که برای دولت آمریکا، مخالفت با یک ژئوپلیتیک یکپارچه که بتواند توازن قوا را در سطح جهان اسلام بر ضد منافع آمریکا تغییر دهد و او را قادر سازد که از تجمیع و متمرکز کردن ایدئولوژی اسلامی و قرار دادن آن در مخالفت مستقیم استکبار که هدف جمهوری اسلامی است، امری حیاتی به نظر می‌رسد (۶). با این پیش فرض آمریکا تلاش دارد نزاع‌های موجود در منطقه را به درگیری‌های مذهبی و طائفی بین شیعه و سنی بکشد و از این طریق نیروهای دو گروه مبارز را تحلیل برد تا توجه شان از دشمن خارجی معطوف به دشمن داخلی شود.

آمریکا تلاش دارد نزاع‌های موجود در منطقه را به درگیری‌های مذهبی و طائفی بین شیعه و سنی بکشد و از این طریق نیروهای دو گروه مبارز را تحلیل برد تا توجه شان از دشمن خارجی معطوف به دشمن داخلی شود.

این سیاست آمریکا را قادر می‌سازد که با هر دو گروه به عنوان مهره ای برای پیشبرد راهبرد خود (آمریکا) بازی کند و گاهی یکی را علیه دیگری تقویت کند و یا از یکی برای غلبه بر دیگری امتیاز بگیرد.

در همین راستا هر چند مسئله‌ی به وجود آمدن هلال شیعی در منطقه‌ی غرب آسیا از سوی تحلیل‌گران غربی زیاد مطرح می‌شود و علیه آن و خطراتی که برای منافع ملی آمریکا در پی دارد نگرارش‌های زیادی انتشار می‌یابد اما به نظر می‌رسد این مسئله نیز بدیل و عدیلی است که توجه اهل تسنن غالب در منطقه را به گسترش شیعه و درنوردیدن تشیع به مناطق دیگر جهان اسلام منحرف دارد، تا اهل تسنن تهدید فوری و اولویت دار خود را گسترش شیعه فهم کند نه نفی استقلال و غارت منابع و به یغما رفتن حکومت مردمی توسط قدرت‌های مستکبر. با این تحلیل دشمن اصلی آمریکا نه شیعه‌ی صرف است و نه سنی صرف، بلکه شیعه و سنی‌ای که در مخالفت و تحدید بازوان قدرت و منفعت آمریکا در منطقه برخیزد برای این دولت علی السویه جلوه می‌کند، رد پای این نوع فریب کاری رامی-توان در تروریست خواندن گروه‌های مقاومت در فلسطین و تقابل آن با تقسیم بندی تروریست‌های موجود در سوریه به تروریست خوب و بد را به خوبی مشاهده کرد. به بیان دیگر، اینکه سیاست مقاومت اغلب از سوی شیعیان موجود در عراق، لبنان، یمن و غیره پی جویی می‌شود را مستمسکی قرار داده اند تا سیاست تفرقه افکنی خود را پیش ببرند و از آن استفاده‌ی ایزاری کنند.

## ۲. سطح داخلی ایران (تغییر چینش سیاسی یا تغییر رفتار):

مبتنی بر آنچه در رابطه با علل دشمنی آمریکا با ایران گفته شد، هدف اصلی ایالت متحده آمریکا در قبال ایران این است که یک سامان سیاسی متفاوت از جمهوری اسلامی لگام امور را در دست گیرد به نحوی که منافع ایدئولوژیک و یا منافع ملی این کشور مورد تهدید یا تحدید واقع نشود (۷). این مقصودی است که تا به حال به آن دست نیافته



اند، بنابراین هدف درجه دومی را برای خود متصور شدند که از آن با عنوان «تغییر رفتار» یاد کردند. مقصود از تغییر رفتار، این است که فارغ از اینکه چه افرادی و با چه دیدگاه‌هایی بر کرسی حکم در ایران نشسته‌اند، باید نوع محاسبه‌ی سود و زیان در آن‌ها به نحوی شکل گیرد که بدانند مقاومت در برابر خواسته‌های ایالات متحده، پرهزینه‌تر از پی‌جویی خواسته‌های خود است. (۸) بر این پایه یا باید چیدمان سیاسی در ایران تغییر کند یا اینکه افرادی با نوع تفکر مذکور زمام دار امور باشند.

### ۳. سطح منطقه‌ای:

منطقه‌ی غرب آسیا در حالت کنونی صحنه‌ی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بسیاری است که یکی از منازعات اصلی میان ایران و آمریکا نیز در این منطقه در حال رقم خوردن است. اولین گام دولت آمریکا در مهار منطقه‌ای ایران این بود که به ایران بقبولاند که فناوری هسته‌ای خود را محدود کند، این مسئله‌ای است که «سوزان مالونی» بر آن صحنه می‌گذارد و مهار ماجراجویی‌های هسته‌ای ایران را یک اولویت برای آمریکامی‌شمرد اما آن راتنها یا حتی مهم‌ترین هدف آمریکا در منطقه نمی‌داند. (۹)

دومین هدف آمریکا در غرب آسیا این است که تلقی خود از تروریسم را به افکار عمومی القا کند و به ایران فشار آورد که از تروریسم با تعریف آمریکا-حمایت نکند. در این راستا آمریکا، ایران را عامل بی‌ثباتی منطقه می‌داند که در قانون تحریم‌های اخیر (قانون مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌ساز ایران) نیز به آن اشاره کرده است. به بیان دیگر هدف آمریکا در منطقه معطوف به نقش ایران این است که اولاً ایران قدرت اول غرب آسیا نباشد و ثانیاً هندسه‌ی سیاسی منطقه را ایران تعیین نکند بلکه این هندسه مطابق با خواست آمریکا و هم‌پیمانانش از جمله سعودی در ژئوپلیتیک منطقه ریل‌گذاری شود.

تحلیل گران غربی پیشنهادهای زیادی را به لحاظ سیاسی به دولت آمریکا برای مهار ایران در منطقه می‌دهند که از جمله‌ی آن می‌توان اشاره داشت به اینکه آمریکا از حکومت عراق و نیروهای مسلح عراق به جهت نابودی داعش و بازپس گیری موصل و مناطق سنی نشین عراق حمایت کند، «مارتین اندیک» علت این حمایت را اینگونه شرح می‌دهد که باید توازنی متضاد با تاثیر ایران در عراق ایجاد شود و این توازن باید از طریق سرمایه گذاری روی عشائر سنی عراق انجام گیرد و نقش آفرینی نیروهای تحت حمایت ایران محدود شود و در آخر باید از ایجاد راه خشکی بین ایران و سوریه از طریق شمال عراق جلوگیری به عمل آید. در سوریه باید تاثیر گذاری ایران را کاهش داد چرا که حذف ایران از سوریه امکان پذیر نیست، این کاهش تاثیر گذاری باید از طریق فشار بر روسیه برای منع کردن ایران از استفاده از بنادر سوریه انجام پذیرد چرا که این بندار در تسلیح حزب الله نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف اصلی مطرح شده برای سوریه اولاً این است که بشار اسد از قدرت کنار رود سپس همه‌ی نیروهای خارجی از سوریه خارج شوند تاره برای مذاکره باز شود.

استفاده از هماهنگی بین آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترکیه و عربستان با وجود بهبود رابطه ترکیه با دولت های حاشیه‌ی خلیج فارس و مصر و نیز همکاری این دولت ها با رژیم صهیونیستی، جهت فشار بر فعالیت های منطقه‌ای ایران نیز پیشنهاد شده که در دستور کار آمریکا قرار گیرد. (۱۰)

## مترجم استراتیجیة من 6 عناصر للتصدي لهيمنة إيران في المنطقة

Martin Indyk الأريضاء، 29 مارس 2017

English

مراجعة المحررة: كريس ماين إنديك يوم الثلاثاء، 28 مارس 2017. يهذته ترجمة المائدة الخاروية في مجلس التصيح الأمريكي بشأن الاستراتيجية الأمريكية تجاه إيران "ما هي مؤلفي من هذه المائدة، يمكنك قراءة المائدة كاملة هنا."

تشكل إيران تحدياً شاملاً لمصالح الولايات المتحدة وحلفائها وشركائها في الشرق الأوسط، وعلى مدى العقود الأربعة الماضية، تشكلت من إنشاء "فوس نفوذ" يمتد من لبنان وسوريا في بلاد الشام، مروراً بالعراق والبحرين على الخليج، ووصولاً إلى اليمن على البحر الأحمر. إن ما تحتاجه الولايات المتحدة الآن هو "استراتيجية التصدي" لتكون شاملة ومنكاملة ومستدامة.

## تعدادی از حوزه‌های موضوعی آمریکا:

آمریکا برای راهبردهایی که در بالا ذکر شد از حوزه‌هایی به طور خاص استفاده کرده است که در اینجا به دو ابزار هسته‌ای و حقوق بشر به طور خاص اشاره شده است:

### ۱. هسته‌ای:

دشمن‌سازی و القای انگاره‌ی تهدید جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشوری که بدون عقلانیت در صحنه‌ی جهانی در حال فعالیت است و مناسبات جهانی هیچ اهمیتی برای او ندارد در حالی از ابزارهای تبلیغی قدرتمند آمریکا به جهان مخابره می‌شود که خود مقامات دولتی و گزارش‌های رسمی این کشور به این ارزیابی دست نیافته‌اند که ایران دارای سلاح هسته‌ای است که می‌تواند به وسیله‌ی آن منطقه را ناامن کند. در این خصوص «اوباما» رئیس‌جمهور سابق این کشور که پیگیری پرونده‌ی هسته‌ای در دوران او شدت یافت این‌گونه اظهار کرده است: «ارزیابی هر دو کشور ایالات متحده و اسرائیل این است که ایران هنوز دارای سلاح هسته‌ای نیست و ما به شدت در نظارت بر برنامه‌ی آنها جدی هستیم»

هدف آمریکا در منطقه معطوف به نقش ایران این است که اولاً ایران قدرت اول غرب آسیا نباشد و ثانیاً هندسه‌ی سیاسی منطقه را ایران تعیین نکند بلکه این هندسه مطابق با خواست آمریکا و هم-پیمانانش از جمله سعودی در ژئوپلیتیک منطقه ریل‌گذاری شود.

شاهد دیگر این مدعا سخن وزیر دفاع وقت آمریکا در سنا است: «اطلاعات ما نشان نمی‌دهد آن‌ها تصمیم گرفته باشند سلاح هسته‌ای بسازند.» (۱۱) با اینکه چنین تصویری از برنامه‌ی هسته‌ای ایران وجود داشته است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بر آن صحنه گذاشته است اما دولت آمریکا ریاکارانه و به جهت دستیابی به اهدافی که

در ابتدای مقاله ذکر شد، ایران را به عنوان تهدیدی هسته‌ای به جهانیان القا کرد و تصور بمب‌سازی و بمب افکنی را در هم پیماندان خود نیز تقویت کرد تا آن‌ها نیز بر ایران فشار وارد آورند. اما در وضعیت کنونی پژوهشگران مرکز CSIS طی گزارشی پیشنهاد کرده‌اند که آمریکا باید ضمن حفظ توافق هسته‌ای (برجام) بر نقاط ابهام آن تکیه کند و از این طریق منافع کشورش را تأمین کند. (۱۲)

## 1. UPHOLD U.S. COMMITMENT TO THE JCPOA, BUT STRENGTHEN IT BY ADDRESSING AMBIGUITIES

Revoking the JCPOA would allow Iran to resume its nuclear activities without oversight provisions and would have very little punitive impact on the country otherwise, seeing as the rest of the five permanent members of the UN Security Council plus Germany (P5+1) have made it abundantly clear that they will continue the trajectory set forth by UN Security Council Resolution (UNSCR) 2231. Moreover, the deal itself is not easily undone, as it is a multinational agreement. It would thus be in the Trump administration's best interests to work within the parameters of the JCPOA, clarifying guidelines on Iran's nuclear development in the last years of the JCPOA, its missile development, and commercial transactions to strengthen the deal. This will be met with resistance by Iran. Negotiations to strengthen the JCPOA will inevitably require further tradeoffs among the United States, other members of the P5+1, and Iran, but are worth pursuing and will require a balance of punitive action and incentives.

## ۲. حقوق بشر:

مسئله‌ی حقوق بشر نیز همیشه به عنوان یکی از حوزه‌های تصویرسازی علیه ایران در برنامه‌های مقامات آمریکایی قرار داشته است. تکیه بر عدم دموکراسی آزاد، سانسور، اعدام، حقوق زندانیان، حقوق زنان و آزادی مطبوعات و مسائلی از این دست، مندرج در طرح‌های حقوق بشری علیه ایران بوده است. اما وقتی به رفتار آمریکا چه در داخل و چه در مواجهه با دیگر کشورها بالاخص شیخ-نشینان خلیج فارس نگاهی می‌اندازیم دوگانگی و عدم صداقت در ادعاهای او را به وضوح مشاهده می‌کنیم، امری که «جف فاکس» نویسنده و تحلیلگر آمریکایی نیز به آن اشاره کرده است و اذعان داشته که میزان آزادی‌های موجود در ایران به مراتب از کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس

بیشتر است و نیز در ایران بیهودیان در پارلمان (مجلس شورای اسلامی) دارای نماینده هستند و می‌توانند در حدود ۶ کنیسه‌ای که در ایران وجود دارد اعمال عبادی خویش را انجام دهند اما چون منافع دولت اسرائیل (رژیم صهیونیستی) و شیخ نشینان عرب خلیج فارس و نیز گروه‌هایی از آمریکا در قبال دشمنی با ایران است پس ایران دشمن ماست. (۱۳)

**THE**  
**Nation.**

Politics World Economy Culture Take Action

FOREIGN POLICY MIDDLE EAST IRAN

## Why Is Iran Our Enemy?

*It's a repressive theocracy, but Tehran is no threat to the United States and is a staunch opponent of jihadi groups like ISIS and Al Qaeda.*

By Jeff Faux

### جمع بندی:

دولت ایالات متحده آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تلاش کرده است در حوزه‌های داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران دشمنی کند این دشمنی که به علت ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی بوده است در سطح گفتمانی و ایدئولوژیک، سطح منطقه‌ای و سیاست خارجی و نیز تاثیر بر فضای داخلی ایران دنبال شده است. ابزار این دشمنی‌ها عمدتاً از طریق پرونده‌های هسته‌ای، حقوق-بشر، تروریسم و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران پیگیری شده است.

## منابع:

- [۱] سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و علیرضا اسماعیلی مارگز، «انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان‌های قدرت در نظام بین الملل»، مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۹۵، شماره ۴۶، صص ۱۱۰-۱۱۵
- [۲] متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و پنجاه دوم و یکصد و پنجاه و سوم
- [۳] رهبر معظم انقلاب، بیانات در حرم مطهر رضوی (ع)، وبسایت Khamenei.ir، منتشر شده در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۷۲، قابل‌بازبازی در پیوند زیر  
: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17208>
- [۴] ماریتن اندیک، «استراتیجیه من ۶ عناصر للتصدی لهیمنه ایران فی المنطقه»، وبسایت www.brookings.edu، منتشر شده در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷، قابل‌بازبازی در پیوند زیر:  
<http://yon.ir/nSJah>
- [۵] سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و علیرضا اسماعیلی مارگز، «انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان‌های قدرت در نظام بین الملل»، مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۹۵، شماره ۴۶، صص ۱۱۰-۱۱۵
- [۶] نفیسه فاضلی نیا، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی با تاکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۳۶، صص ۱۱۹-۱۱۵
- [۷] فواد ایزدی و رضا سراج، «نشست تقابل گفتمانی دو جریان انقلابی و غربگرا در حوزه ی سیاست خارجی»، وبسایت اندیشکده راهبردی تبیین، منتشر شده در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۵، قابل‌بازبازی در پیوند زیر:  
<http://www.tabyincenter.ir/16557/>
- [۸] محمد جمشیدی، «تحریم ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه ی هسته ای ایران»، فصلنامه مطالعه راهبردی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶۲، صص ۱۲۱-۱۲۷

[۹] سوزان مالونی، «آخرین مرحله از مواجهه درازمدت میان ایالات متحده و ایران»، وبسایت اندیشکده راهبردی تبیین، منتشر شده در ۱ خرداد ۱۳۹۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.tabyincenter.ir/19239/>

[۱۰] مارتین اندیک، «استراتیجیه من ۶ عناصر للتصدی لهیمنه ایران فی المنطقه»، وبسایت www.brookings.edu، منتشر شده در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.brookings.edu/analysis/20170329-iran-strategy>

[۱۱] محمد جمشیدی، «تحریم ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه ی هسته ای ایران»، فصلنامه مطالعه راهبردی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶۲، ص ۱۲۸

[۱۲] کاتلین هیکس و ملیسا دالتون، «Deterring Iran after the Nuclear Deal»، وبسایت csis.org، منتشر شده در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<https://www.csis.org/analysis/deterring-iran-after-nuclear-deal>

[۱۳] جف فاکس، «Why Is Iran Our Enemy»، وبسایت thenation.com، منتشر شده در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۶، قابل بازیابی در پیوند زیر:

<https://www.thenation.com/article/why-is-iran-our-enemy/>







دولت ایالات متحده آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تلاش کرده است در حوزه های داخلی و منطقه ای و بین المللی با جمهوری اسلامی ایران دشمنی کند این دشمنی که به علت ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی بوده است در سطح گفتمانی و ایدئولوژیک، سطح منطقه ای و سیاست خارجی و نیز تاثیر بر فضای داخلی ایران دنبال شده است. ابزار این دشمنی ها عمدتاً از طریق پرونده های هسته ای، حقوق-بشر، تروریسم و فعالیت های منطقه ای ایران پیگیری شده است.



[www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: